

۷سال زیر تیغ به‌خاطر یک اشتباه

گروه حوادث/پسر جوان که به اتهام قتل به قصاص محکوم شده بود پس از ۷ سال که در انتظار اجرای حکم بود با رضایت خانواده مقتول از مرگ نجات یافت.

به‌گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از سال ۹۲ با درگیری مرگبار چند جوان در نسیم شهر آزادگان آغاز شد. پس از حضور مأموران در محل مشخص شد که در جریان این نزاع یکی از آنها به‌نام بهرام ۳۰ ساله از ناحیه گردن چاقو خورده که بلافاصله به بیمارستان منتقل شد.

در ادامه مأموران به بازجویی از طرفین دعوا پرداختند که یکی از آنها گفت: من و دوستم بهرام از محل کارمان به خانه برمی گشتیم که چهار پسر جوان که در حال عبور از خیابان بودند به یکباره جلوی خودروی ما پریدند. من هم اعتراض کردم اما متوجه شدم که آنها حال طبیعی ندارند. پس از آن بهرام به حمایت از من از خودرو پیاده شد که یکی از آنها با چاقو ضربه‌ای به گردنش زد و فرار کرد.

ساعاتی بعد خبر رسید که بهرام در بیمارستان فوت کرده و به این ترتیب متهم فراری پرونده به‌نام کریم تحت تعقیب قرار گرفت و بعد از چند روز بازداشت شد. او از بازجویی اتهام قتل را پذیرفت و در شعبه ۱۱۳ وقت دادگاه کیفری سابق استان تهران محاکمه شد و اولیای دم درخواست قصاص کردند.

کریم در دفاع از خودش مدعی شد: من و دوستانم مشروب خورده و در حال عبور از خیابان بودیم. راننده خودرویی که بهرام در آن بود با بوق به ما اعتراض کرد. همین موضوع موجب درگیری ما شد. در یک لحظه چاقویی را که همراه داشتیم از جیبم بیرون آوردم و ضربه‌ای به گردن بهرام زدم.

در پایان جلسه دادگاه قضات با توجه به اینکه شواهد نشان می‌داد کریم هنگام ارتکاب جرم به رشد عقلی رسیده و ماهیت عملی را که مرتکب شده بود می‌دانسته، وی را به قصاص محکوم کردند. حکم صادره در دیوان عالی کشور نیز تأیید شد و حکم به شعبه اجرای احکام رفت اما خانواده کریم توانستند پس از ۷ سال رضایت خانواده مقتول را جلب کنند و او را از قصاص نجات دهند.

پس از آن متهم که حالا ۲۷ ساله است از جنبه عمومی جرم در شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه شد.

او در این دادگاه با ابراز ندامت عنوان کرد: چند روز قبل از این ماجرا چاقو را از پارک پیدا کرده بودم و هرگز فکر نمی‌کردم با آن چاقو دست به جنایت بزنم. حالا هم شرمنده اولیای دم هستم. آنها مرا بخشیدند و به من زندگی دوباره دادند که همیشه مدیون‌شان هستم. اما هفت سال از بهترین سال های عمرم را در پشت میله‌های زندان گذرانده‌ام و در این مدت خودم و خانواده‌ام به اندازه کافی تنبیه شده‌ایم. از قضات تقاضا دارم در مجازاتم تخفیف قائل شوند.

بعداز اظهارات متهم قضات برای صدور رأی وارد شور شدند.

کلاهبرداری ۲برادر پایش فروش خانه

گروه حوادث/ دو برادر شاید که با پیش فروش واحدهای ساختمانی، ۶ میلیارد و ۵۰۰ میلیون ریال کلاهبرداری کرده بودند، از سوی پلیس دستگیر شدند.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، چندی قبل مالک یک ساختمان به پایگاه چهارم پلیس آگاهی تهران مراجعه و اظهار کرد: پلاک ثبتی‌ام در محدوده کلانتری ۱۴۴ حوالیه تهرانپارس واقع شده و ۶ ماه پیش تصمیم گرفتم ساختمان را با همکاری یک سازنده نوسازی کنم. در این رابطه با دو برادر که خود را سازنده چندین ساختمان معرفی می‌کردند، آشنا شدم و پس از چندین جلسه گفت‌وگو در نهایت قرارداد مشارکت در ساخت تنظیم کردیم. در متن قرارداد آمده بود که هیچ یک از طرفین قرارداد حق پیش‌فروش واحدها را ندارد و پس از ساخت و تنظیم تقسیم‌نامه و تحویل گرفتن واحدها، هر یک از طرفین حق فروش واحد متعلق به خود را داشته باشند.

شاکای ادامه داد، سازندگان، آپارتمانی را برای اسکانم تهیه کردند و



من هم ساختمان را تخلیه شده تحویل آنها دادم. روز گذشته برای مشاهده پیشرفت ساخت وساز و نحوه گودبرداری و... در محل حاضر شدم. فردی که مدعی بود یکی از واحدهای ساختمان را پیش‌خرید کرده است با من شروع به گفت‌وگو کرد که متوجه شدم سازندگان با دریافت مبلغ ۳ میلیارد ریال از وی کلاهبرداری کرده و مرتکب فروش مال غیر شده‌اند.

سرهنگ کارآگاه «سعید مجیدی»، رئیس پایگاه چهارم پلیس آگاهی تهران بزرگ در تشریح این خبر گفت: با این شکایت بررسی پرونده در اختیار تیمی از کارآگاهان قرار گرفت و کارآگاهان در تحقیقات محلی دریافتند متهمان علاوه بر این کلاهبرداری، واحد دیگری را نیز به شخص دیگری به مبلغ ۳ میلیارد و ۵۰۰ میلیون ریال پیش‌فروش کرده‌اند.

خریداران پیش‌فروش ساختمان مدعی بودند که در قرارداد مشارکت در ساخت که توسط سازنده به آنها نشان داده شده، اذن فروش مالک را مطالعه کرده‌اند و به اعتبار این اجازه، واحدها را پیش‌خرید کرده‌اند، اما در ادامه تحقیقات پلیسی مشخص شد قرارداد مشارکت در ساختی که در اختیار مالباختگان قرار گرفته است، جعلی بوده و سازندگان با جعل قرارداد مشارکت در ساخت از مالباختگان کلاهبرداری کرده‌اند.

بدین ترتیب مخفیگاه متهمان در شهرستان پردیس شناسایی و با دستور قضایی هر دو متهم دستگیر و برای سیر مراحل قانونی به مرجع قضایی معرفی شدند.

این مقام انتظامی با بیان اینکه کارشناسان ارزش ریالی مبلغ کلاهبرداری شده را در مجموع ۶ میلیارد و ۵۰۰ میلیون ریال اعلام کرده‌اند، به شهروندان تأکید کرد: برای پیش‌خرید واحدهای در حال ساخت، چه آنکه واحد از مالک یا سازنده پیش‌خرید کنید، قرارداد پیش‌فروش را در حضور مالک و سازنده تنظیم و هر دو طرف قرارداد مشارکت در ساخت، باید قرارداد پیش‌فروش را امضا کنند و سپس با تعیین وقت تنظیم سند مشاعی، با مراجعه به دفترخانه اسناد رسمی، نسبت به تنظیم سند سهم مشاعی از پلاک ثبتی اولیه اقدام کنید تا معامله مطمئن‌تری را داشته باشید.

افشای راز شوهر جنایتکار با

فیلم دوربین های مدار بسته

گروه حوادث/ مرد جوان که همسرش را به قتل رسانده و جسدش را در بیابان دفن کرده بود تصور نمی‌کرد دوربین‌های مداربسته راز این جنایت را فاش کند.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، هفته گذشته مرد جوانی به پلیس رفت و از ناپدید شدن همسرش خبر داد و گفت: روز گذشته وقتی از مغازه‌ام به خانه برگشتم از همسرم خبری نبود. اول فکر کردم برای خرید بیرون رفته اما وقتی با تلفن همراهش تماس گرفتم و خاموش بود خیلی نگران شدم. با خانواده و دوستان و آشنایان تماس گرفتم اما هیچ کس از همسرم منو خبر نداشت.

با شکایت مرد جوان به نام پویا، پرونده‌ای در شعبه نهم دادسرای امور جنایی تهران تشکیل شد. در ادامه بررسی‌ها به دستور بازپرس جنایی مأموران به بازبینی دوربین‌های مداربسته اطراف خانه این زوج جوان پرداختند. دوربین‌ها نشان می‌داد برخلاف گفته مرد جوان، پویا و مینو با هم به خانه وارد شده‌اند و بعد از

آن خروج زن جوان از خانه ثبت نشده بود و همین مسأله احتمال جنایت خانوادگی را بود تصور نمی‌کرد.

با این فرضیه، از مرد جوان چندین بار تحقیق صورت گرفت اما پویا همچنان مدعی بود که از سرنوشت همسرش بی‌اطلاع است. از آنجایی که پویا، خودش ناپدید شدن همسرش را اعلام کرده بود و خانواده دلیلی برای بازداشت او پیدا نشد. با این حال کارآگاهان به بررسی ماجرا ادامه دادند تا اینکه مشخص شد پویا اقدام به خرید بیل و کلنگ از یک مغازه مصالح‌فروشی کرده

بود. در حالی که وی هیچ توضیحی برای خرید این وسایل نداشت. با به‌دست آمدن این مدرک و در کنار هم قرار دادن تکه‌های پازل کنار هم، معمای ناپدید شدن زن جوان به‌دست همسرش، قوت گرفت.

بدین ترتیب بازپرس سهرابی دستور بازداشت مرد جوان را صادر کرد اما زمانی که کارآگاهان پلیس آگاهی برای دستگیری



و فریاد کرد، دستم را روی گلو و دهانش گذاشتم که فریاد نزند اما به خودم که آمدم دیدم نفس نمی‌کشد. ترسیده بودم. با خودم گفتم نباید این راز برملا شود. بنابراین جسد او را داخل پتو پیچیده و در خودرویم قرار دادم. بعد بیل و کلنگ خریدم و به سمت اطراف تهران رفتم زمین را کندم و جسد همسرم را دفن کردم.

پویا در ادامه گفت: بعد از قتل همسرم، سعی کردم با اعلام خبر ناپدید شدنش، مسیر تحقیقات را تغییر دهم و از اتهام قتل فرار کنم. اما عذاب وجدان لحظه‌ای مرا رها نکرد و در نهایت تصمیم گرفتم با خوردن قرص به زندگی‌ام پایان دهم. قرص‌ها را خوردم و سوار خودرویم شدم و به سمت محلی که همسرم را دفن کرده بودم رفتم. از ماشین پیاده شدم تا به آنجا بروم. می‌خواستم کنار همسرم بمیرم اما دیگر نفهمیدم چه شد وقتی چشم باز کردم در بیمارستان بودم و همسیدم که رهگذران مرا بی هوش در خیابان پیدا کرده و به بیمارستان رسانده‌اند.

با اعتراف مرد جوان به قتل همسرش، بلافاصله کارآگاهان اداره آگاهی راهی محل دفن جسد مینو شدند. در بررسی‌های صورت گرفته جسد پیدا و به پزشکی قانونی منتقل شد. تحقیقات تکمیلی پس از بهبودی کامل مرد جوان به دستور بازپرس جنایی ادامه دارد.

قصدم کشتن او نبود. او را دوست داشتم، آن روز بیرون رفته بودیم و وقتی باهم به خانه برگشتیم سر موضوعی پیش پا افتاده دوایمان شد.

مرد جوان ادامه داد: مینو شروع به داد

قصاص و ۶۵ سال حبس

مجازات عاملان قتل مرد طلافروش

گروه حوادث/ ۳ مرد جنایتکار که به قصد سرقت از یک طلافروشی صاحب آن را ربوده و به قتل رسانده بودند در دادگاه کیفری استان تهران به قصاص و ۶۵ سال حبس محکوم شدند.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از اسفند سال ۹۸ با گزارش ناپدید شدن مرد طلافروشی به نام سعید در منطقه خواران آغاز شد. وقتی مأموران به مغازه سعید رفتند پس از بررسی متوجه شدند که طلاهای داخل مغازه به سرقت رفته است. در ادامه مأموران به بررسی دوربین مداربسته مقابل طلا فروشی پرداختند و مشخص شد که ۲ مرد ناشناس هنگامی که سعید قصد خروج از مغازه اش را داشته او را سوار بر یک خودروی ون کرده اند و پس از دقایقی هم یکی از آنها در حالی که ماسک روی صورتش داشت وارد مغازه شده و طلاها را به سرقت برده است.

تلاش برای افشای راز ناپدید شدن مرد طلافروش و شناسایی عاملان سرقت ادامه داشت تا اینکه دو روز بعد خبر کشف یک جسد از سوی یکی از پاکبان های شهرداری به پلیس اعلام شد و پس از انتقال جسد به پزشکی قانونی و تأیید هویت مرد طلافروش از سوی همسرش، پرونده وارد مرحله تازه ای شد. از سوی دیگر پزشکی قانونی هم علت مرگ را تزریق ماده بیهوشی اعلام کرد.

در ادامه مأموران پلیس یکی از متهمان پرونده را که از بستگان مقتول بود دستگیر کردند. اصغر- متهم- در ابتدا سعی داشت با دروغگویی خود را بی اطلاع از ماجرا جلوه دهد اما وقتی در مقابل مستندات قرار گرفت به آدم ربایی، سرقت و قتل مرد طلافروش با همدستی ۲ نفر از دوستانش به نام های مهدی و شهرام اعتراف کرد و مأموران با ردیابی دو همدست متهم آنها را که داماد و برادرزن بودند در سیزوار ردیابی و بازداشت کردند.

پس از آن مهدی به تزریق آمپول بیهوشی به مرد طلافروش و شهرام به سرقت ۷ کیلو طلا از طلافروشی اعتراف کرد.

به این ترتیب حکم آنها با کفرخواست مباشرت در قتل و مشارکت در آدم ربایی و سرقت صادر شد و پرونده آنها برای رسیدگی به شعبه چهارم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

در جلسه رسیدگی به این پرونده هر ۳ متهم مدعی شدند، قصدی برای قتل نداشتند و قرار بوده آنها فقط طلاها را سرقت کنند.

بعد از پایان دفاعیات متهمان و وکلای آنها هیأت قضات برای تصمیم گیری وارد شور شدند و مهدی را به اتهام قتل عمدی به قصاص، به خاطر مشارکت در آدم ربایی به ۸سال زندان و به خاطر مشارکت در سرقت به ۵سال زندان محکوم کردند. اصغر و شهرام نیز هرکدام به خاطر معاونت در قتل به ۱۳سال زندان، مشارکت در آدم ربایی به ۸ سال و به خاطر مشارکت در سرقت به ۵ سال زندان محکوم شدند.

■ نگاه کارشناس

سروان الهام دهنوی

رئیس مرکز مشاوره نیروی انتظامی غرب استان تهران

در بررسی پرونده این مرد می بینیم که وی فرزند اول خانواده و دارای تحصیلات فوق دبلیم بوده، پدرش کارگری می‌کرده و در سن ۵۵ سالگی فوت کرده و مادرش بی سواد و خانه دار است. به گفته خودش رابطه او با پدرش زیاد صمیمی نبوده و برای تأمین مخارج زندگی در کنار تحصیل به کار نیز مشغول شده است. در کودکی همیشه شاهد دعوا و درگیری والدین و کتک خوردن مادرش بوده است. وی انگیزه اصلی خود را از ارتکاب جرم عصبانیت و ناتوانی در کنترل خشم و نیز نداشتن حالت طبیعی به علت مصرف مواد مخدر می داند.

یکی از انواع قتل‌هایی که بیشتر در جوامع سنتی مثل کشور ما به وقوع می‌پیوندد و ریشه در عوامل روانشناختی، فرهنگی و اجتماعی مختلف دارد، قتل‌های خانوادگی است. این گونه قتل‌ها که از آن‌ها به‌عنوان قاجحه خاموش نام برده می‌شود علل مختلفی دارد.

آنچه که در بین عوامل بروز قتل مورد توجه قرار می‌گیرد، اختلالات روانی و رفتاری در برخی از اعضای خانواده هاست که به‌راحتی توسط خانواده قابل شناسایی و تشخیص نیست و ممکن است یک اختلال رفتاری در خانواده بدون اینکه مهم تلقی شود به مرور زمان منجر به رفتارهای خشن و عصبی در اعضای خانواده شود. مصرف مواد مخدر و محرک‌هایی همچون شیشه و انواع مواد محرک با ایجاد توهم زمینه‌ساز بروز ناهنجاری‌های رفتاری در خانواده می‌شود. اما تمام این عوامل به راحتی قابل پیشگیری و درمان است که نیاز به همت، توجه و همکاری جمعی افراد و نهادهای مسئول در جامعه دارد.



سرهنگ مهدی سرپن‌ها، معاون اجتماعی فرماندهی انتظامی ویژه غرب تهران در این باره گفت: یکی از معضلات جامعه امروز ما روابط فرا زناشویی است. کم‌رنگ شدن ارزش‌های اخلاقی در جامعه باعث گسترش روزافزون پدیده غیر اخلاقی و غیر شرعی روابط فرا زناشویی شده است. تغییر سبک زندگی از الگوی اسلامی- ایرانی به الگوی غربی تحت تأثیر ماهواره و اینترنت از علت‌های دیگر ازدیاد این آسیب اجتماعی است.

معیارهای اشتباه در انتخاب همسر یکی دیگر از دلایل ترویج این آسیب در جامعه است. در بررسی این پرونده شاهد خیانت مادر خانواده (قاتل) هستیم که این موضوع باعث ایجاد تنش در خانواده است و اولین قربانی این تنش فرزندان آنها هستند که تاب و تحمل چنین مسأله‌ای را ندارند و نتیجه آن در رفتار و کردار آنها به شیوه‌های مختلف و در بزرگسالی آنها هویدا می‌شود.

گروه حوادث/ مرد معتاد که به‌خاطر اختلاف بر سر

ارثیه پدری برادرش را کشته و فرار کرده بود از سوی پلیس غرب استان تهران دستگیر شد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، اواخر آذر امسال زنی میناسلد در تماس با پلیس از قتل پسرش مسعود در خانه خبر داد. پس از این گزارش، مأموران کلانتری ۱۱ شهر قدس به‌همراه تیم جنایی پلیس آگاهی راهی محل حادثه شدند و در نخستین بررسی‌ها با جسد خونین پسر جوانی در اتاق پذیرایی رو به رو شدند که با ۹ ضربه چاقو به قتل رسیده بود.

مادر مقتول گفت: من چند ساعتی خانه نبودم اما پسر بزرگم ایوب به همراه مسعود در خانه بودند وقتی برگشتم با جسد پسرمر روبه‌رو شدم و از برادرش نیز خبری نبود. این زن ادامه داد: پسر بزرگم مدتی قبل از همسرش جدا شد و با وجود اینکه دو فرزند داشت آنها را رها کرد و به خانه ما آمد و با من و برادرش زندگی می‌کرد البته آنها بیشتر اوقات با هم درگیری و اختلاف داشتند. بدین ترتیب این فرضیه که ایوب در این جنایت دست داشته باشد قوت گرفت و ردیابی‌ها برای دستگیری وی ادامه یافت. تا اینکه حدود یک هفته بعد ایوب در مخفیگاهش دستگیر شد. متهم در

ارثیه پدری انگیزه برادر کشی



بود راضی نبودم و روز حادثه هم سر همین موضوع با برادرم درگیر شدم. از آنجا که هردو نفرمان نیز مقدار زیادی مواد کشیده بودیم تحت تأثیر مصرف

شدید مواد مخدر عصبانی شدم و تصمیم به قتل او گرفته و با برداشتن چاقوی آشپزخانه به او حمله کردم و ضربات متعددی به او زدم. وقتی به خودم آمدم برادرم مرده بود از ترس فرار کردم و چاقو را زیر تخته سنگی داخل جوی آب در فاصله ۶۰۰ متری منزل خودمان مخفی کردم.

بدین ترتیب با اعترافات مرد معتاد، وی بازداشت و برای تحقیقات بیشتر به مراجع قضایی معرفی شد.